



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۰۹



احسان الله مایار

مسئولیت زنده ها در قبال داد خواهی

شهداء

مسئولیت زنده ها در قبال داد خواهی شهداء

بنیاد حقوق قربانیان افغانستان به تاریخ ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۷ مطابق به ۲۶ سنبله ۱۳۹۶ ضمن جمع آوری بعضی اسناد در فیسبوک اشاره به زنده ها نموده چنین نوشت:

"تا بتوانیم بهتر با جنایت افروزان و فرهنگ معافیت از جزا در کشور مبارزه نماییم!"

هر بار که از شهداء روی رسانه ها یاد می شود و از نظر بنده گزارش می یابد چهره متین و شادمان جگرن غلام دستگیر از لابلای یکی از روز های سال ۱۹۸۴م در ذهنم جای دائمی خود را اخذ نموده و صحبتش طنین می اندازد. جگرن غلام دستگیر در هوتل دینز پشاور جهت خداحافظی نزد آمده و با خوشی بالاتر از هر سرحدیکه در خیال می گنجد برایم تقریباً با ارائه چنین کلماتی گفت: "صبا د خیر سره جهاد ته رهی یم!"

دو یا سه روز بعد از آن صحبت شامگاهان و نوشیدن یک پیاله چای با جگرن دستگیر یکی از دوستان مشترک ما نزد آمد و با اشک در چشم خبر شهادت جگرن دستگیر آزاده را برایم رسانید.

سال هاست که این صحنه و مانند این تعداد بیشتری از آن صدای ناقوس هوشداری و مسئولیت ما زنده ها را در وجدانم به حرکت می آورد و مسئولیت ما را در قبال دادخواهی و حق طلبی هزاران هموطنان ما زنده نگه می دارد.

لیک تنها با گفتن و یا نوشتن "مسئولیت" و وظیفه ما انجام نمی یابد، بلکه در عمل چی کرده می توانیم محک اصلی در زندگی ما شمرده شده می تواند.

سال ها سپری گردید تا چشمانم با دیدن لوگوی صدای حق امیدوار و ذهنم را روشن گردید.

امید وار از نگاه ایکه احتمال دارد که یک تعداد از افغان های متعهد در این حلقه با ایمان راسخ و عشق

به حق ستانی شهدای ما گردهم آمده باشند تا صدای بی آوای حق طلبی و عدالت خواهی شهدای مارا در جمله اکناف وطن ما پخش کنند و با درد دیدگان بازماندگان بدون قدرت و ضعیف شان هموائی داشته و خدمت خود ها را عرضه دارند.



بنیاد حقوق قربانیان افغانستان
۲۷ سنبله ۱۳۹۶
18 سپتمبر 2017

نام حق
سیر لست (های) به خون نوشته شده شهدای بی مزار لست شهداء و استفاده جویی های ایزاری مسئولین از آن!
❖ ۲۵ سنبله سال ۱۳۵۸ اعلام لست 12000 شهید وزارت داخله کابل افغانستان
❖ ماه جدی سال ۱۳۵۸ نصب لست های شهداء زندان پلچرخ کابل افغانستان
❖ ۲۵ اول نوامبر ۱۹۸۹ تسلیمی لست 12000 شهید بوسیله حکومت نجیب الله به آقای نیکولاس لارد بیئل نماینده و فعال حقوق بشر کابل افغانستان
❖ نهم نوامبر 1989 پخش خبری نویپارک تلیمز در ارتباط افشای لست 12000 شهید
❖ تسلیمی لست 12000 شهید به صبغت الله مجددی با حضور حامد کرزی پاکستان
❖ 18 سپتمبر افشا لست 5000 هزار شهید هالند

در حدود چهار دهه میلیون ها تن از هموطن ما بی دفاع ما قربانی جنایات سیستماتیک، سازماندهی شده و جنگی شده اند! مبارزه برای تحقق عدالت در حق قربانیان، مسئولیت ماست! هموطنان، پس بیاید به منظور به محاکمه کشاندن سوزان جنایت متحد و متعهد شویم!

من از اعلامیه بالا دو جمله انرا بار دیگر از نظر خوانندگان گرامی می گزارم که:
"مبارزه برای تحقق عدالت در حق قربانیان، مسئولیت ماست!" و "هموطنان، پس بیایید به منظور به محکمه کشانیدن مسئولان جنایت متحد و متعهد شویم!"
توضیح بیشتر در باره دو گفتار با وزن بالا اضافه گوئی است، از اینرو هر یک را با وجدانش مصادف نموده، هر آنچه خواهند نیکوست.
بایست با صراحت کامل اذعان نمود که در عمل پیش بردن چنین پروسه کار ساده و بدون از مصرف نیست و در قدم آغاز شده پیشنهاد می نمایم که برای به سر رساندن آن "حق" حسابی در یکی از بانک ها باز نموده تا هر کس نظر به پیوند خود در زمره عدل خواهان و توان خود در این پروسه بزرگ ملی سهم بگیرند.
بنده در سال ۲۰۱۳ مقالی نوشته بودم که اینک از نظر تان بار دیگر گزارش می یابد:

۲۰۱۳/۱۰/۰۹

احسان الله مایار

نشر لیست نامکمل مقتولین وطنداران ما

بعد مرور سالها بار دیگر صدای انسانهای بیگناه و مسلمان افغان از زیر خاک بالا شد و طالب دادخواهی شدند و ما که زنده هستیم یخن مارا گرفته و با یأس سوال میکنند که در این رابطه وظیفه و مسئولیت شما زنده ها چیست؟

اذعان می نمایم و با تأثر عمیق از ته قلب اقرار می نمایم که به جواب شان صرف گفته میتوانم: اگر ادعای بکرسی نشاندن عدالت باشد و انتظار داشته باشی تا ما، مقصدم از کسانیت که در خارج از کشور زندگی میکنیم و جز از قلم دیگر حربه ای نداریم، جانیمان بسر زنده و یا وکیل مرده شان را در برابر قاضی ای عادل می کشانیم و ادعای حق تان را می نمایم و روح پاک تانرا شاد میگردانیم با خجالت شمایان را مأیوس ساخته و اعتراف می نمایم که متأسفانه ما بیچاره تر از شمائیم و خدمتی کرده نمی توانیم.
خوانندگان گرامی! تا جائیکه مربوط به صاحب این قلم است توضیحات مختصر بالا قدرت واقعی بنده را تمثیل می نماید و فکر می کنم در آن تغییری وارد آمده نمی تواند.

من نوشته های چند روز اخیر را با تأثر عمیق خواندم و می بینم که قدم بقدم از لیست اصلی دوازده هزار کسانیکه در اوائل زمامداری نظام کمونیستی در افغانستان کشته شده اند و بعد از قتل تره کی لیست آن ترتیب و در مدخل وزارت داخله به منظور اطلاع عامه روی تخته های اشتهار نصب گردیده است، نام برده میشود.
بنده در این مورد به تاریخ ۲۰۱۲/۸/۳ مضمونی تحت عنوان «قاتلان ملت» نوشتم و راجع به شهدای هرات و قبرهای دسته جمعی در تپه شهداء و همین گونه از لیست دوازده هزار افغان های ما گزارشی خدمت تقدیم نموده ام که در وبسایت افغان جرمن آنلاین نشر گردیده و مقال را با لینک زیر از نظر گذشتانده میتوانید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/e_mayar_tawalod_qatelin_melat_afghan.pdf

من متیقنم که این لیست پنج هزار و یا دوازده هزار شمه ناچیزی از کشته شدگان جنگ های سی و اند ساله وطن مارا احتواء میکند. تعداد کشته شدگان مردم افغان بعد از کودتای ۱۹۷۸ کمونیست ها تا امروز، توسط کمونیست های خدمتگار روسی و یا توسط و امر عده ای از رهبران و قوماندانان جهادی و یا قوای شوروی و ناتو قرار

تخمین به صدها هزار نفر می‌رسد. تا جائیکه معلومات دارم در هیچ یک از منابع موجود تعداد نسبتاً واقعی کشته شدگان جنگ‌های بیش از سه دهه افغانستان بدسترس کسی نبوده و وجود ندارد. به منظور اكمال ادعای بالا می‌خواهم مختصر تذکر دهم که در سال ۱۹۸۴، زمانیکه در پشاور اقامت داشتم، شنیدم که تنظیم محاذ ملی افغانستان تحت رهبری پیر گیلانی در صدد ترتیب لیست شهدای مربوط تنظیم وی می‌باشد و بعد تجسس دریافتم که دگروال محمد ایوب اصیل وظیفه دارد تا در ترتیب این لیست اقدام نماید. روزی بدیدن آقای اصیل در دفترش مراجعه نمودم و تصادفاً دیدم که شخص وی بالای این لیست در حال کار است. در اینبار و اهمیت ترتیب آن ساعتی صحبت کردیم. تا جائیکه بخاطر دارم در آن زمان آقای اصیل در مجموع لیست تقریباً سه و نیم و یا چهار هزار نفر را قید نموده بود. احتمال دارد که هر تنظیم و احزاب جهادی نام نویسی شهدای مربوط را قید دفتر خود داشته باشند لیک معلوماتی درباره ندارم.

فکر می‌کنم با اعتراف مختصر در برابر تقاضای برحق بخواب ابدی رفتگان ما وظیفه وجدانی ما خاتمه نمی‌یابد و باید حداقل کاری که کرده می‌توانیم از آن یاد کنیم. در این رابطه نوشته آقای سید هاشم سدید را زیر عنوان "چرا نباید جنایات و جنایتکاران بعد از هفت ثور را فراموش کرد؟" که به تاریخ ۲۰۱۲/۸/۲۱ در وبسایت افغان جرمن آنلاین نشر شده و نشر مجدد آن به تاریخ ۲۰۱۳/۱۰/۶ صورت گرفته مرا یاری نموده و آنرا عمیقتر مطالعه نمودم. نوشته آقای سدید خاصاً از چند نگاه خوشم آمد.

اول:- قتل مردم افغان را در طول سی و چند سال اخیر توسط جانپان افغانی و خارجی در زمره قتل عام و پاکسازی قوم‌های مختلف در جهان طور علمی تلیق نموده که نمی‌توان یکی را بدون از دگر مجرد بیان نمود. دوم:- احساسات و توضیحات شعارگونه را در این تحقیقات رد پا نداده تا خواننده بتواند در عمق مسئله داخل شده و اگر بتواند راه درمانی برای بازماندگان این فاجعه عظیم در وضع کنونی حاکم در افغانستان وجود داشته باشد، عرضه نماید.

سوم:- دسته بندی اشخاص و یا اگر درست تر افاده کرده بتوانم جامعه و نظام حاکم در مورد چگونگی برخورد و موقف گیری و رویارویی با چنین یک فاجعه عظیم طور منطقی تدوین گردیده است.

در اینبار بالاخص می‌خواهم اشاره ای به نظر دو افغان نمایم که آقای سدید در باره چنین توضیح داده است: وی در صفحه اول در پاراگراف چهارم چنین می‌نگارد:

"از کسی شنیدم که می‌گفت برای حفظ وحدت ملی، مانند کامبوجی ها، همه آنچه را که طی این همه سال رخ داده است، باید فراموش کنیم؛ و دیگری در مقابل به این نظر بود که فراموش کردن شرارت های این مقطع از تاریخ کشور ما خیانت آشکار به مردم و ملک است..."

آقای سدید موقف شخص خود را در صفحه دوم پاراگراف پنجم با صراحت و استدلال قوی چنین توضیح میکند: "صاحب این قلم، در جای خود، به چند دلیل با این پیشنهاد (فراموش کردن و حذف جنایت از تاریخ) موافق نیست:

اولاً لزوم اقامه عدل و انصاف و بی‌اعتنائی به عدل و انصاف به مرور زمان و به مصداق که "چیزی که دیر شد زیر می‌شود" به فراموشی حق و عدالت، یعنی به مرگ حق و عدالت منتج می‌گردد. فراموش نکنیم که مرگ

عدالت برابر است با مرگ آرامش، مرگ قانون و مرگ همزیستی یک ملت متشکل از اقوام و قبایل متعدد و بالاخره مرگ اعتماد مردم بر یکدیگر و بر دولت؛ و در نهایت از هم پاشیدن نظم یک اجتماع و اضمحلال یک ملت. صدها هزار انسان طی سی و چند سال گذشته در کشور ما بدون موجب، بعضاً برای تفنن و عقده کشائی، چه منفردانه و چه بشکل دسته جمعی، کشته شده اند. این جنایات نابخشودنی حقایق و واقعیت های تاریخی هستند، که نباید فراموش شوند!"

آقای سدید با این ندهایش به عنوان جامعه افغانی در قدم اول و در قدم بعدی کشور های ذیدخل در قضایای افغانستان را متوجه به نحو اقدامات شان، فراموش کردن جنایات و یا تطبیق حاکمیت عدل و انصاف در قضایا، بگونه ای رهنمائی نموده که تصمیم شانرا به خودشان محول می نماید.

بنده این جنایات را نا بخشودنی و جزء حقایق و در ردیف واقعیت های تاریخی وطن ما شناخته و فراموش کردن آنرا از هر نگاه رد می نمایم.

در اینجا بایست اشاره نمود که کشور هالند، پیشقدم در فراموش نکردن جنایات در برابر بشریت، معلوم است که تابعیت شخص نزد محاکم شان اهمیت ندارد، گردیده و تا جائیکه شنیده ام انگلیس ها نیز چند نفر افغان جانی را بیای محکمه کشانیده است.

با تأسف باید یاد آوری نمایم، قسمیکه در مقال این قلم که در بالا به لینک آن اشاره شده، آقای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان از لیست کشته شدگان ۱۲۰۰۰ نفر از اوائل سال های ۱۹۹۰ م واقف می باشد. موضوع از این قرار است که من به دست خود کتاب قطور لیست را با پشتی سفید، زمانیکه آقای کرزی سکرتر دفتر حضرت صیغت الله مجددی بود در حضور حضرت مجددی و لارڈ بیتل انگلیسی حامل این کتاب و پیغام داکتر نجیب، رئیس جمهور زمان کمونیست ها، در دفتر مجددی در پشاور برایش سپردم. با تأسف می بینیم و همه شاهدیم که آقای کرزی با عده ای از همان جانیان همکاری تنگاتنگ داشته و روزی نیست که در طول سال های قدرت کرزی چهره های پاره ای از قاتلین مردم بیگناه افغان را روی پرده تلویزیون نبینیم.

باز هم خانه بیگانه ها آباد که امروز اقلاً لیست نامکمل شهدای راه آزادی و اعلائی کلمت الله را نشر نموده و مارا متوجه به حال زار ملت معصوم ما گردانیده است.

بار دیگر به مضمون شاغلی سدید مراجعه نموده و از صفحه دوم پاراگراف هفتم بخشی آنرا اقتباس نموده و از نظر خوانندگان میگذرانم.

وی مینگارد: "بنا بر این برای حفظ وحدت ملت، اعتماد مردم به سودمندی زیست با همی و جلوگیری از زور و زورگوئی زورگویان، بخصوص مهار جنایتکاران تشنه به خون، همانگونه که در سائر کشورها عمل می شود، ما نیز باید دو کار کنیم:

الف- با استفاده از قانون و از طریق مراجع ذیصلاح و مسؤول داد مردم را از آنها بستانیم.

ب- بکوشیم تا به تدوین تاریخ روشنی از گذشته خود پردازیم. ثانیاً-..."

با ثبت پاراگراف بالا می بینیم که وظایف ما، همان ندای بیدار کردن وجدان ما و انتظار کشته شدگان ما، طور اختصار در دو بخش الف و ب بشکل درست گنجانیده شده است.

از دید این بنده با فقره الف آن قدری مشکل دارم و سعی می کنم مشکل خودرا در حد توان فکری ام توضیح نمایم.

من در وضع کنونی افغانستان، از سال ۲۰۰۱ تا دو سال قبل هفت بار به آنجا سفر کرده ام، از تطبیق قانون در اکثر موارد اثری ندیده ام. امروز قانون واقعی و مروج در ادارات وطن ما دالر سبز امریکائی بوده که ناف افغانستان جدید ما با این وسیله بریده شده و جاگزین هر آنچه از دید یک مملکت قانون شناس می شناسیم در وطن ما سرابی است که از واقعیت و حقیقت فاصله ها دارد.

فکر کرده نمی توانم که مراجع ذیصلاح قسمیکه آقای سدید از آن مرجع نام می برد اصلاً ماها را، مقصدم از کسانیت که در یک کتگوری مهاجرین افغانی در خارج می باشند که اکثر ما تابعیت کشور محل اقامت خود را در دست داریم، اصلاً فکر کرده نمی توانم در افغانستان هیچ مقامی تصمیم گیرنده در امور بپذیرند. با درک واقعی این موضوع امکانات فعالیت ما در این رابطه محدود بوده و کاریکه از دست ما پوره است منحصر می گردد به فقره ب از نوشته آقای سدید که بار دیگر آنرا بخاطر می سپارم. وی مینویسد:

ب- بکوشیم تا به تدوین تاریخ روشنی از گذشته خود بپردازیم.

این کاریست که می توان آنرا بنام مواد کار آمد ترتیب نمود و روزی کسانیکه مانند ربانی و مسعود بمرگ غیر طبیعی و یا هم کسانیکه بمرگ طبیعی از این جهان رفته و مردم افغان و افغانستان از شر شان نجات می یابد و احتمال آن می رود که عدالت و صلح دوباره باین خطه پیاده شود، به کار خواهد آمد.

پیشنهاد می نمایم که عده ای از دوستان افغان ما حلقه ایرا تشکیل کنند تا در ترتیب لیست ها، مانند این لیست ۵۰۰۰ نفری اقدام نمایند. ما می توانیم این خدمت را از یهود ها بیاموزیم که چگونه توانستند بعد از ختم جنگ جهانی دوم یک حلقه زیر نظر شخصی بنام ویسمن در وینا بوجود آوردند و جانین آلمانی را از هر نقطه جهان به دادگاه سپردند و این اداره هنوز هم فعال است. خدمتی که بنده عرضه می کند این است که من حاضر هستم در این تشکیل وظیفه تالیستی را بعهده بگیرم.

امروز اگر همان بدترین انسان ها ۱۲۰۰۰ افغان ما را کشتند، یقین دارم نظر به هدایت روس ها اقل لیستی ترتیب دادند که امروز بالای آن بحث می کنیم. آن انسان هایی که عامل این جنایات شدند باز هم بهتر از خارجی ها و افغان های ما بودند که ۳۰۰۰ - ۴۰۰۰ محبوس غیر مسلح طالب را داخل کانتینر ها قتل عام کردند و در دشت لیلی زیر خاک کردند و سال ها بعد به این جنایت هم اکتفاء نکرده و با فهم اینکه حکومت در افغانستان وجود دارد و یقین دارم که از این عمل شنیع مستحضر بودند استخوان های شهدای طالب از مدفن های دسته جمعی بیرون کردند و در دریای آمو فرو ریختند، تا در روز مبادا کسی ثبوتی از جنایات شان بدست نداشته باشد و متیقمم غیر از اعضای خانواده های شان که می دانند چگونه فرزندان و یا برادران شان با دستان بسته نامردانه کشته شدند، دیگر مرجعی در ادارات افغانستان وجود ندارد که نام و نشانی از آنها در آنجا ثبت باشد.

یا مثال دیگر که بایست در زمره دیگر جنایات این سفلگان عنوان کرد، قتل عام مردم شهر کابل، افشار، خوشحال خان مینه و غیره نام برد .

در اخیر می خواهم منحیث یک هموطن شان برای این قربانیان از بارگاه الهی جنت فردوس التجا نمایم. ایمان دارم که جای آنها همان جنت موعود است.

در اینجا می خواهم آخرین جمله ای که در نوشته آقای سدید ثبت تاریخ روزگار می گردد یاد و تأیید کرده و این صفحه غمین را ببندم.

در صفحه ۳ در پاراگراف هفتم می خوانیم که:

"آلمان ها می گویند ملتی که تاریخ خود را فراموش کند و از شرارت های دردناک گذشته خویش نیاموزد در معرض تکرار تاریخ و تکرار از شرارت های خود قرار دارد".
پایان

